

سندیکای کارگران شرکت واحد اوبوسرانی تهران و حومه



قطعنامه روز جهانی کارگر اردیبهشت ۹۱

از نظر ما همه اینها برای میلیونها خانواده کارگری مستاصل از تامین حداقل معیشت در شرایط کنونی، معنایی جز درماندگی بیشتر برای گذران زندگی و تحمیل فقر و فلاکتی روز افزون بر آنها ندارد. در این راستا ما کارگران با ابراز انزجار از وضعیت موجود، همگان را در تمامی نقاط کشور به طرح متحدانه و سراسری خواستها و مطالبات شان فرا میخوانیم

قطعنامه روز جهانی کارگر

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه اردیبهشت ۱۳۹۱

اول ماه مه روز همبستگی کارگران در سراسر جهان برای رهایی از مشقات روز افزون سرمایه داری و بیان خواسته های آنان جهت برپایی دنیایی عاری از ظلم و ستم و استثمار است

با گذشت بیش از يك قرن از مبارزات کارگران دستاوردهای بیشماری به قیمت جان باختن و زندانی شدن و اخراج هزاران کارگر در کشورهای مختلف جهان بدست آمده است

با توجه به وضعیت زندگی در قرن بیست و یکم انتظار می رود با تحولات و پیشرفت جوامع بشری کارگران از موقعیت مطلوبتری بهره مند شوند متأسفانه در حال حاضر شاهد تغییر قانون کار هستیم که کارگران هیچگونه دخالتی در روند آن ندارند، طبق اصلاحیه قانون کار کلیه دستاوردها پایمال و موجب فقر و بیکاری روز افزون کارگران خواهد شد لذا در حال حاضر در قانون کار فعلی اگر اصلاحاتی هم نیاز باشد تنها باید در فصل ششم این قانون عمل شود تا موانع سر راه ایجاد تشکلهای مستقل کارگری هموار گردد و کارگران بتوانند برای تصمیماتی که به حقوق و معیشت آنان ارتباط دارد دخالت مستقیم داشته باشند

در چنین حالتی قطعاً "دستمزدهای ۳۸۹ هزارتومانی که تنها يك چهارم دستمزد واقعی می باشد تصویب نخواهد شد .

از نظر ما همه اینها برای میلیونها خانواده کارگری مستاصل از تامین حداقل معیشت در شرایط کنونی، معنایی جز درماندگی بیشتر برای گذران زندگی و تحمیل فقر و فلاکتی روز افزون بر آنها ندارد. در این راستا ما کارگران با ابراز انزجار از وضعیت موجود، همگان را در تمامی نقاط کشور به طرح متحدانه و سراسری خواستها و مطالبات شان فرا میخوانیم و در شرایط حاضر خواهان تحقق بی درنگ مطالبات زیر هستیم:

۱- آزادی بی قید و شرط برپایی تشکل های مستقل کارگری، اعتصاب، اعتراض، راهپیمایی، تجمع و آزادی بیان و مطبوعات حق مسلم ما است و این خواسته ها باید ضمن برچیده شدن کلیه نهادهای دست ساز دولتی از محیطهای کار و زندگی، به عنوان حقوق خدشه ناپذیر اجتماعی کارگران و عموم مردم ایران به رسمیت شناخته شوند.

۲- ما جامعه ای را که اقلیتی صاحب ثروت و سرمایه های کلان باشند و اکثریتی هم نان شب نداشته باشند بر نخواهیم تافت. از نظر ما ناچیز دستمزدها و افزایش سرسام آور هزینه های زندگی اهانت به منزلت انسانی و حق حیات کارگران است. ما تعیین چنین سطح دستمزدی را تحمیل بیش از پیش فقر و فلاکت مطلق بر میلیونها خانواده کارگری میدانیم و با رد شیوه کنونی تعیین و تعیین دستمزدها توسط نماینده های واقعی کارگران بر اساس بالاترین استانداردهای زندگی بشر امروز هستیم.

۳- ما خواهان محو قراردادهای موقت و سفید امضاء، بر چیده شدن شرکتهای پیمانکاری و انعقاد قرارداد مستقیم و دسته جمعی، تامین امنیت شغلی کارگران و رعایت بالاترین استانداردهای بهداشت و ایمنی در محیطهای کار و زندگی هستیم

۴- دستمزدهای معوقه کارگران باید فوراً و بی هیچ عذر و بهانه ای پرداخت شود و عدم پرداخت آن بایستی به مثابه يك جرم قابل تعقیب قضائی تلقی گردد و خسارت ناشی از آن به کارگران پرداخت شود

۵- اخراج و بیکار سازی کارگران به هر بهانه ای باید متوقف گردد و تمامی کسانی که بیکار شده و یا به سن اشتغال رسیده اند باید تا زمان اشتغال به کار از بیمه بیکاری متناسب با يك زندگی انسانی برخوردار شوند

۶- به رغم اینکه سازمان تامین اجتماعی با دسترنج و پول کارگران به یکی از نهادهای دارای ثروت نجومی در ایران تبدیل شده است اما این سازمان با قرار گرفتن در چرخه سود و سودآوری سرمایه تنها به فکر کاهش خدمات درمانی و دریافت فرانشیز از کارگران بیمار است. ما بیمه های تامین اجتماعی را حق مسلم تمامی آحاد جامعه میدانیم و خواهان اداره این نهاد بدست نماینده های منتخب کارگران در سراسر کشور هستیم.

۷- ما ضمن محکوم کردن هر گونه تعرض به اعتراضات کارگری، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه کارگران زندانی و توقف فوری پیگرد های قضایی علیه آنان هستیم

۸- ما خواهان برابری حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و خانوادگی هستیم

۹- ما خواهان برخورداری تمامی بازنشستگان از يك زندگی مرفه و بدون دغدغه اقتصادی و رفع هرگونه تبعیض در پرداخت مستمری بازنشستگان و بهره مندی آنان از تامین اجتماعی و خدمات درمانی هستیم

۱۰- کار کودکان باید ملغی گردد. برخورداری کودکان و والدین آنها از تامین اجتماعی گسترده و کامل، امکانات آموزشی رفاهی و بهداشتی یکسان و رایگان جدا از موقعیت اقتصادی و اجتماعی خانوادگی شان، نوع جنسیت و وابستگی های ملی و نژادی و مذهبی می باید برسمیت شناخته شود.

۱۱- ما ضمن قدردانی از تمامی حمایت های بین المللی کارگری و مردمی از مبارزات کارگران در ایران و حمایت قاطعانه از اعتراضات و خواسته های کارگران در سراسر جهان خود را متحد آنان می دانیم و بیش از هر زمان دیگری بر همبستگی بین المللی کارگران برای رهایی از مشقات نظام سرمایه داری تاکید می کنیم

۱۲- اول ماه مه باید تعطیل رسمی اعلام گردد و در تقویم رسمی کشور گنجانده شود و هر گونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی گردد

سندیکای کارگران شرکت واحد اوبوسرانی تهران و حومه

کمیته ی دفاع از زندانیان سیاسی ایران - برلین

کمیته ی دفاع از زندانیان سیاسی ایران - برلین

فرخنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

در اول ماه مه ۱۸۸۶ پلیس شیکاگو با حمله به تظاهرات گسترده کارگران، که برای هشت ساعت کار در روز و حق تشکیل اتحادیه های کارگری برپا شده بود، آنان را به خاک و خون کشید. چند روز بعد، دادگاه هشت تن را که به عنوان مسبب دستگیر شده بودند، محکوم کرد. دادگاه یکی از این دستگیرشدگان را به ۱۵ سال حبس محکوم کرد و بقیه محکوم به اعدام شدند که فرماندار ایالت مجازات دو تن از آنان را به حبس ابد تخفیف داد. یکی از محکومان به اعدام، پیش از اجرای حکم خودکشی کرد و چهار نفر دیگر به دار آویخته شدند. در سال ۱۸۸۹، کنگره بین المللی کارگران در پاریس روز اول ماه مه را به عنوان روز جهانی کارگر برگزید. در پی آن در بسیاری از کشورهای دنیا، کارگران با برپایی اعتصاب و تظاهرات گسترده، این روز را گرامی داشتند و یاد و خاطره کارگران به خاک و خون کشیده شده را زنده نگه داشتند. سازمان بین المللی کار به عنوان یک نهاد خود مختار و وابسته به مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۱۹ براساس معاهده ورسای برپا شد. موافقت نامه مربوط به برقراری رابطه بین این سازمان و سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۶ به تصویب رسید و آن را به صورت نخستین کارگزاری تخصصی وابسته به سازمان ملل متحد درآورد. کنفرانس بین المللی کار هر ساله با حضور چهار عضو از هر کشور (دو نماینده از سوی دولت، یک نماینده از طرف کارگران و نماینده از سوی کارفرمایان) تشکیل می شود. از مهم ترین اهداف سازمان عبارت است از تصویب کنوانسیون ها و توصیه هایی که متضمن برقراری معیارهایی در ارتباط با مسائل کارگری در زمینه هایی مانند آزادی عضویت در تشکل ها، دستمزدها، ساعات و شرایط کار، بیمه های اجتماعی، مرخصی با استفاده از حقوق، ایمنی صنعتی، خدمات اشتغال و بازرسی مسائل مرتبط می باشند. اجرای مقررات کنوانسیون های سازمان بین المللی کار برای کشورهایی که آن ها را

امضا کرده اند الزامی است؛ در حالی که توصیه های سازمان مذکور تنها در حکم رهنمودهایی برای سیاست گذاری ، قانون گذاری و شیوه عمل های ملی است.

جنبش سندیکائی واتحادیه‌ای ایران در دوران انقلاب مشروطیت توسط کارگرانی که در باکو و عشق آباد کار کرده و به وطن بازگشته بودند بنا نهاده شد. این کارگران که عموماً با افکار سوسیال دموکراسی آشنا بودند تاثیر عمیق خود را بر روی دیگر کارگران ایرانی گذاشتند. هم چنین حرکت‌های انقلابی ۱۹۰۵ و ۱۹۰۷ تحولی ملموس در کارگران ایران به وجود آوردند. در سال ۱۲۸۴ (۱۹۰۵) در چاپخانه‌ای کوچک در تهران نخستین اتحادیه کارگری تاسیس شد. هم زمان با اتحادیه کارگران چاپخانه‌ها در دیگر کارخانه‌ها نیز این امر رو به نضج نهاد، تا اینکه کارگران مشهد، تبریز، انزلی و دیگر نقاط کشور را هم در بر گرفت. شعارهای مزد عادلانه، هشت ساعت کار در روز، و بالاخره زمین برای دهقان و جمهوری خواسته کارگران بود. با سرکوب انقلاب مشروطه از طرف استبداد، جنبش سندیکائی و اتحادیه‌ای نیز مورد هجوم واقع گردید. سپس کارگران با تأثیر پذیری از انقلاب اکتبر به بسط جنبش‌های سندیکائی دست زدند. در سال ۱۲۹۹ تعداد اتحادیه‌های کارگری تهران به ۱۵ رسیده بود، در سال ۱۳۰۰ شورای مرکزی اتحادیه‌های حرفه‌ای کارگران ایجاد گردید که هدف آن رهبری جنبش سندیکائی و اتحادیه‌ای در سطح کشور بود. تحت تأثیر همین جنبش بود که در فاصله سالهای ۱۳۰۴-۱۳۰۰ چندین اعتصاب بزرگ، از جمله اعتصاب ۱۴ روزه کارگران چاپخانه‌ها و اولین اعتصاب کارگران نفت آبادان انجام گرفت. دولت وثوق الدوله مجبور شد که خواسته کارگران را مبنی بر روزانه ۸ ساعت کار، آزادی فعالیت سندیکاها و جشن اول مه را قبول کنند. شورای مرکزی اتحادیه‌های حرفه‌ای ایران به عضویت سازمان بین‌المللی کارگران، سندیکای جهانی کارگران، نیز پذیرفته شد.

سرکوب جنبش سندیکائی واتحادیه‌ای و جلوگیری از فعالیت‌های سندیکائی و اتحادیه‌ای و غیر قانونی ساختن فعالیت حزب کمونیست، در فاصله ۱۳۱۰-۱۳۰۴ به تصویب قانونی معروف به "قانون سیاه" در زمان رضا شاه انجامید در اوج سال‌های دیکتاتوری، کارگران شرکت نفت توانستند ساعت کار را به ۹ ساعت در روز تقلیل دهند. اتحادیه مخفی کارگران راه آهن با برگزاری اعتصاب، نمونه‌ای از قدرت یابی مجدد و رو به رشد کارگران ایران در آن سال‌های خفقان بود. جنبش کارگری ایران یکبار دیگر از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶ فعالیت علنی خود را تجربه کرد.

در این سالها ابتدا اتحادیه‌های مختلف کارگری و سندیکاها شکل گرفتند و از اتحاد آنها شورای مرکزی اتحادیه کارگران ایران در ۱۳۲۱ پا به عرصه وجود گذاشت. بالاخره شورای متحده مرکزی اتحادیه کارگران و زحمتکشان ایران در اول ماه مه ۱۳۲۳ تاسیس گردید. این تشکل در سال ۱۳۲۵ از طرف فدراسیون جهانی کارگران مورد شناسائی قرار گرفت و به عضویت فدراسیون سندیکائی جهان در آمد. در آن زمان دولت شورای متحده مرکزی را به رسمیت شناختند و حق نمایندگی در شورای عالی کار به شورای متحده مرکزی داده شد. در سال ۱۳۲۷ با صحنه سازی ترور محمد رضا شاه، فعالیت شورای متحده مرکزی اتحادیه کارگران و زحمتکشان ایران و سندیکاها کارگری و احزاب ممنوع و غیر قانونی اعلام شد. کارگران ایران با تشدید مبارزات و اعتصابها در منطقه نفت خیز خوزستان و در سایر نقاط کشور منجمله کارگران کارخانه شاهی در ۱۳۲۹ مقاومت شایان توجهی از خود نشان دادند. مقاومت قهرمانانه کارگران نفت در سال ۱۳۲۹ کمک موثری به ملی شدن نفت توسط دولت مصدق نمود. در جریان این اعتصابات ۱۸ کارگر و ۳ کودک کشته شدند. با پیوستن کارگران نفت به اعتصاب عمومی در تیر ماه ۱۳۵۷ حرکات کارگری به اوج خود رسید. از درون کمیته‌های مخفی اعتصاب شوراهای کارگری در اکثر کارخانجات و موسسات صنعتی شکل گرفت و در کوتاه‌ترین زمان شوراهای کارگری کارخانجات توانستند مدیریت موسسات و کنترل تولید و توزیع را بدست گیرند. از بهم پیوستن شوراهای "خانه کارگر" متولد شد. تشکیلات "خانه کارگر" محل تجمع فعالین کارگری تهران و شهرستان‌ها گردید. با شروع جنگ خانمان سوز که هدیه‌ای آسمانی برای جمهوری اسلامی بشمار میرفت، فرصت لازم برای سرکوب جنبش مستقل کارگری بدست آمد. احزاب و سازمان‌های مدافع کارگری غیرقانونی و سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری منحل شدند. نشریات کارگری توقیف، فعالین کارگری از کار اخراج و تحت پیگرد قرار گرفتند. هزاران کارگر مبارز دستگیر و بیش از پانصد کارگر به جوخه‌های اعدام سپرده شدند. طی سه دهه حکومت جمهوری اسلامی تشکلهای اسلامی کارگری بعنوان عامل تفرقه و سرکوب جنبشهای مستقل کارگری عمل نموده از آن جمله است حمله به سندیکای مستقل شرکت واحد، همکاری با ارگانهای اطلاعاتی و امنیتی در تقابل با حرکت مستقل کارگران ایران خودرو دیزل، لاستیک سازی البرز، نیشکرهفت تپه و ... در سال گذشته بیش از صد هزار نفر از کارگران از کارخانجات و کارگاه ها در سراسر ایران اخراج و به صفوف بیکاران پیوستند. با شکل گیری تشکلهای مستقل کارگری و کمیته‌هایی برای احیاء سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری، گسترش اعتراضات کارگری که علیرغم منع قانونی همواره در سراسر کشور انجام می گیرد، همگی نشان از آینده جنبش

کارگری دارد. هم اکنون بخاطر این تلاشها بسیاری از رهبران جنبش مستقل کارگری در زندانند و تحت شکنجه های وحشیانه و محکومیت طولانی مدت در زندانهای جمهوری اسلامی اند، از انجمله رضا شهابی ، علی نجاتی، شاهرخ زمانی، محمد جراحی، ساسان واهبی وش، بهنام ابراهیم زاده، رسول بداغی (بداقی)، محمد حسینی، مهدی فراخی شاندیز، فرزاد احمدی، مهرداد امیر وزیری، پدram نصراللهی و علی اخوان و ...

کارگران در مبارزات روزمرشان به تجربه یافتند که در این نظام نه تنها هرروز به فقر و بی حقوقی کارگران و زحمتکشان افزوده می شود بلکه این نظام نه می خواهد و نه می تواند به خواسته برحقشان جواب دهد.

علیرقم تهدیدهای رژیم و جو امنیتی در سراسر ایران، بنابر اطلاعیه های اتحادیه های مستقل کارگری، کارگران در روز اول ماه مه امسال در کارخانجات و کارگاه های سراسر ایران گردهمایی برگزار خواهند کرد.

ما از خواست کارگران برای آزادی تشکلات مستقل کارگری دفاع کرده و آزادی فوری همه فعالین زندانی کارگری را خواهانیم.

زنده باد روز اول ماه مه، روز همبستگی کارگران جهان

کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران - برلین

روز جهانی کارگر

چشم اول ماه مه، روز جهانی کارگر بر همه کارگران و دوستداران آنان فرخنده باد!

بیانیه تشکل های کارگری به مناسبت روز جهانی کارگر

بیانیه تشکل های کارگری به مناسبت روز جهانی کارگر

به مناسبت این روز و با گرامیداشت آن، با مبارزات سراسری کارگران در کشورهای مختلف اعلام همبستگی می کنیم و بار دیگر خواسته های مبرم جامعه ی کارگری ایران را بیان کرده و از همگان می خواهیم برای تحقق این خواسته ها چه در ایران و چه در کشورهای دیگر متحدانه و هماهنگ به مبارزات خود ادامه داده و تا رسیدن به یک جامعه ی انسانی از پای ننشینند.

امسال در حالی به استقبال روز کارگر می رویم که طبقه ی کارگر ایران بیش از هر زمان تحت فشارهای اقتصادی و اجتماعی قرار دارد و زیر بار کمر شکن بیکاری و کمی دستمزد از یک سو و تورم لجام گسیخته و هزینه های سنگین ابتدایی ترین نیازهای زندگی است. گرانی کالاهای مورد نیاز اولیه از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت آن هم در پایین ترین حد از یک طرف و تحمیل حداقل حقوق ناچیز برای این زندگی از طرف دیگر سفره ی خالی کارگران، مزد و حقوق بگيران و اقشار زحمتکش جامعه را مورد هجوم قرار داده است.

هم زمان نظام سرمایه داری و جهانی و در پی بحران های فزاینده ی سال های اخیر تلاش می کند تا بار سیاست های غیر انسانی و استثمارگرانه خود را بر دوش کارگران و زحمتکشان بیندازد و با اعلام سیاست های ریاضت اقتصادی تلاش می کند تا سودهای سرمایه داران را حفظ کرده و فشار فزاینده ای را بر مردم تحت ستم و استثمار سراسر جهان وارد کند.

سرمایه داری جهانی متحدان آنان در کشورهای مختلف دست در دست یکدیگرند و برای تحمیل هر چه بیشتر بار فقر و تنگدستی بر توده های عظیم کارگران، مزد و حقوق بگيران هماهنگ عمل می کنند. کارگران و زحمتکشان و مردم تحت استثمار نیز در سراسر جهان اعتراض های خود را در سال گذشته به انواع مختلف و به هر شکل که توانسته اند، بیان کرده اند.

هر چند فشار اقتصادی و اجتماعی از طریق افزایش نیروهای امنیتی و

پلیسی بر مردم تحت ستم هر روزه افزایش می یابد، اما گسترش مبارزات سراسری کارگران و زحمتکشان جهان، کارکنان بخش های خدماتی و اقشار تهی دست در سال گذشته و تداوم آن، بیانگر آن است که امروزه نظام سرمایه داری بیش از هر زمان دیگر با بحران های فزاینده مواجه شده است.

اعتراضات گسترده جنبش ضد سرمایه داری در سال گذشته و اعتصاب ها و مبارزات سراسری کارگران و حقوق بگیران فرودست در سراسر کشورهای سرمایه داری نشان داد که بخش وسیعی از توده های عظیم مردم تحت ستم به آگاهی های عینی و ذهنی رسیده است. اعتصاب ها و اعتراض های میلیونی در امریکا، انگلستان، اسپانیا، پرتغال، یونان، ایتالیا، فرانسه، هند، و... همه و همه نشان دهنده ی آن است که این نظام دیگر نمی تواند با شیوه های گذشته به تسلط بر نیروی کار ادامه دهد.

به مناسبت این روز و با گرامیداشت آن، با مبارزات سراسری کارگران در کشورهای مختلف اعلام همبستگی می کنیم و بار دیگر خواسته های مبرم جامعه ی کارگری ایران را بیان کرده و از همگان می خواهیم برای تحقق این خواسته ها چه در ایران و چه در کشورهای دیگر متحدانه و هماهنگ به مبارزات خود ادامه داده و تا رسیدن به یک جامعه ی انسانی از پای ننشینند.

۱- آزادی تشکل های مستقل کارگری بدون هیچ گونه محدودیتی حق مسلم همه ی کارگران و زحمتکشان است. اعتصاب، آزادی اندیشه و بیان، آزادی تجمع، آزادی احزاب از حقوق مسلم انسان هاست که در ایران نادیده گرفته می شود. ما خواهان به رسمیت شناخته شدن این حقوق هستیم و تا به دست آوردن آنها به مبارزه ادامه خواهیم داد.

۲- تعیین حداقل دستمزد برای کارگران در سال جاری نوعی توهین مستقیم و آشکار به زندگی و معیشت کارگران است، درحالی که هیچ گاه محدودیتی برای حداکثر حقوق مدیران در نظر گرفته نمی شود. ما خواهان تعیین حقوق مکفی برای تامین زندگی همه ی انانی هستیم که نیروی کار جامعه خود را ارزانی می دارند تا بتوانند از یک زندگی سالم و انسانی برخوردار باشند.

۳- اخراج، بیکار کردن، قراردادهای موقت و سفید امضا و عدم پرداخت حقوق کارگران با هیچ عذر و بهانه ای پذیرفتنی نیست. به ویژه عذر و بهانه های ضد انسانی و ستمگرانه ای که نظام سیاسی و اقتصادی سرمایه حق به جانب به زبان می آورد و رسانه ها را نیز به خدمت می

گیرد. امنیت شغلی و زندگی انسانی از ابتدایی ترین حقوق همه ی انسانهاست. با توجه به اخراج های گسترده ی اخیر، همگانی کردن بیمه های بیکاری برای خیل اخراج شدگان ضرورت دارد.

۴- زندانی کردن افراد و تعقیب و آزار و اعدام و حبس های طولانی مدت فعالین کارگری و اجتماعی به یک روال تبدیل شده است. مسوولان باید بدانند که این اعمال نمی تواند در اراده ی فعالان سیاسی و اجتماعی برای رسیدن به حقوق خود خللی ایجاد کند. ما خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه فعالان کارگری و اجتماعی به خصوص کارگران و فعالان کارگری زندانی، شاهرخ زمانی، محمد جراحی، علی اخوان، بهنام ابراهیم زاده، رضا شهابی، علی نجاتی... و منع تعقیب آنان هستیم.

۵- مجازات اعدام امروزه در اکثریت قاطع کشور ها ممنوع است. ما نیز این مجازات را غیرانسانی می دانیم. امروزه اعدام تنها درچند کشور محدود اجرا می شود و ایران بیشترین تعداد اعدامی را نسبت به جمعیت خود در سطح جهانی داراست. ما خواهان لغواین مجازات در تمامی کشورها و به خصوص در ایران هستیم.

۶- سرمایه داران تلاش می کنند تا برای سود بیشتر تبعیض های جنسی، قومی، نژادی و مذهبی را رواج دهند، اما کارگران و زحمتکشان به صورت اساسی برای رفع تبعیض در همه ی زمینه ها مبارزه می کنند. ما با هر گونه تبعیض و نابرابری مخالف بوده و خواهان تامین حقوق انسانی برای تمام کارگران وزحمتکشان از هر قوم نژاد ومذهبی هستیم

۷- کارگران مهاجر درایران تحت شرایط سخت و وحشتناکی زندگی می کنند واز حقوق ابتدائی سایر کارگران محرومند. ما ضمن محکوم کردن هر نوع ستم وتبعیض نسبت به آنان خواهان رعایت حقوق برابر برای مهاجران وبه رسمیت شناختن حق تحصیل برای فرزندان آنان هستیم.

۸ - تامین اجتماعی حق همه کارگران و مزد وحقوق بگیران است، ما خواهان تامین اجتماعی برای کارگران ساختمانی و کلیه کارگران روزمزد وموقت هستیم.

۹- بار دیگر تاکید می کنیم وادار کردن کودکان به کار بر خلاف موازین انسانی است و ضمن محکوم کردن آن، خواهان تامین امکانات تحصیلی برای همه ی کودکان در تمام مقاطع تحصیلی هستیم.

۱۰- هرگونه هجوم سرمایه داری را به دست آوردهای کارگران و

زحمتکشان تحت عنوان اصلاح قانون کار و خصوصی سازی، تعدیل نیروی انسانی و جز آن محکوم می کنیم.

۱۱- کارگران ایران خود را جزئی از طبقه ی کارگر جهانی می دانند که در برابر نظام سرمایه داری ایستاده اند. ضمن همبستگی با مبارزات جهانی کارگران و پشتیبانی از مبارزات مردم خاور میانه برای آزادی، هرگونه لشگرکشی و مداخله ی نظامی کشورهای سرمایه داری های علیه مردم منطقه را نه تنها رهایی بخش ندانسته بلکه آن را جهت تحت سلطه در آوردن بیشتر مردم منطقه برای سود بیشتر و حل بحران های نظام سرمایه داری می دانیم و آن را قویا محکوم می کنیم.

۱۲- تحریم های اقتصادی علیه ایران جزئی از تهاجم نظام سرمایه داری برای سرپوش گذاشتن بر مشکلات این نظام است که چیزی جز فقر و سیه روزی برای کارگران وزحمتکشان ندارد و در سایه ی آن تنها دست اندرکاران بازارهای سیاه و غیررسمی و انحصارگرا نه با این بهانه به سودهای افسانه ای می رسند.

۱۳- روز اول ماه می جشن جهانی کارگران و زحمتکشان است. این روز باید به روز تعطیل رسمی تبدیل شود.

دوشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۱ - ۳۰ آوریل ۲۰۱۲

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه کارگران پروژه ای

هیات موسس کارگران نقاش ساختمان

کانون مدافعان حقوق کارگر

۱۲ اردیبهشت - اول ماه می ۱۳۹۱

جبهه جمهوریخواهان مستقل و آزادیخواه ایران

فرهنگ قاسمی

بخش یکم

متأسفانه همیشه برخی برای دستیابی به آلترناتیو، راه و روشهایی را انتخاب کرده اند که یا به دامن قدرتهای بیگانه افتاده اند و یا آن را در چارچوب حاکمیت جمهوری اسلامی جستجو کرده اند و تن به ذلت قانون اساسی آن و ولایت فقیه داده اند.

فراموش نکنیم که ما در تمامی تاریخ شاهنشاهی ایران فقط یک کورش داشته‌ایم که به درستی از حقوق انسان‌ها سخن می‌گوید و یک کریمخان زند داشتیم که با تدبیری شایان توجه خود را وکیل‌الرعا یا و نه شاه نام نهاد. وانگهی، متأسفانه در همین تاریخ ایران به ندرت می‌توان پادشاهی را جست که عاقبت به خیر شده باشد. اگر رضا خان سردار سپه به پست رئیس‌الوزرای اکتفا یا اعلان جمهوری می‌کرد، شاید آینده ایران به شکل دیگری رقم می‌خورد و عاقبت کارش و همین‌طور، عاقبت کار محمدرضا شاه پهلوی به آن جا نمی‌رسید که رسید.

بخش یکم

فقط در سال‌های اخیر نیست که بسیاری از سازمان‌های ایرانی مخالف جمهوری اسلامی به ضرورت همبستگی مخالفان رژیم اعتقاد پیدا کرده اند و برای این همکاری‌ها برنامه‌هایی ارائه نموده، گام‌های مثبتی نیز برداشته اند ولی متأسفانه راه به جایی نبرده اند. اگرچه در اندیشه ایجاد آلترناتیو بوده اند اما هنوز بدان دست نیافته اند. متأسفانه همیشه برخی برای دستیابی به آلترناتیو، راه و روشهایی را انتخاب کرده اند که یا به دامن قدرتهای بیگانه افتاده اند و یا آن را در چارچوب حاکمیت جمهوری اسلامی جستجو کرده اند و تن به ذلت قانون اساسی آن و ولایت فقیه داده اند. در عرض این سی و اندی سال دیدیم که این هر دو راه اشتباه محض بودند؛ زیرا نه با توسل به قدرت خارجی می‌شود مستقل عمل کرد و نه از آن امام و امام زاده هایش معجزه‌ای بر خواهد برخاست. بلکه اپوزیسیون تنها باید با اتکا

به نیروی فعال سازنده خود و با همبستگی ملی جمهوریخواهان مستقل و آزادی‌خواه این کار را به ثمر برساند و بداند اگر درست عمل کند اعتماد مردم را جلب خواهد نمود.

در وضعیت اجتماعی امروز جامعه ما برای این تلاش دو مسئله مهم را باید درم نظر قرار داد. از یک سوی ما جامعه‌ای به اندازه کافی متحزب نداریم که در آن احزاب بتوانند نقش تعیین کننده بازی کنند، و از سوی دیگر در همین جامعه افراد غیر تشکیلاتی و علاقمند به فعالیت سیاسی کم نیستند؛ کسانی که حاضرند فارغ از ملاحظات عقیدتی و مذهبی و فرهنگی و قومی برای رها ساختن ایران از شرایط کنونی وارد عمل شوند. به عبارت دیگر در جامعه ما هم احزاب و سازمان‌ها و انجمن‌های سیاسی و مدنی وجود دارند و هم افراد. با توجه به این ملاحظه شاید مناسب باشد که تشکیلات این تلاش شکلی از یک جبهه فراگیر باشد که بتواند هم افراد غیر متحزب اما فعال و هم سازمان‌های سیاسی و انجمن‌های گوناگون اجتماعی و حقوق بشری را در درون خود جای دهد.

بیهوده نیست که بشریت همواره از آزادی سخن گفته است و از این اصل مهم دفاع کرده است؛ آزادی در هر جامعه‌ای به ویژه در جامعه استبداد زده ما اصل، و انتخابات آزاد وسیله‌ای برای به قدرت رسیدن حاکمیت ملت است. بنابراین تمامی مبارزات ما باید معطوف به دفاع از آزادی‌ها و کلیه شرایط لازم برای تحقق انتخابات آزاد باشد. مبارزه برای این شرایط به معنای سرنگونی جمهوری اسلامی و تمام ساز و کارهایش در حاکمیت موجود است و در حالی که شعار دادن در مورد آزادی انتخابات بدون پافشاری بر مطالبه این شرایط مفهومی غیر از مصالحه با حاکمیت جمهوری اسلامی و جستجوی راه حل از درون رژیم که غالباً پرهزینه و بی‌ثمر است نخواهد داشت. اگر این شرایط به وجود آید و استمرار پیدا کند هیچ قدرتی به هیچ بهانه‌ای نخواهد توانست خود را به مردم تحمیل کند.

نقش آقای رضا پهلوی در تحول سیاسی ایران

نمی‌توان سخن از ایجاد قدرت جانشین در شرایط استقرار آزادی کرد و به امر طرفداران پادشاهی در ایران نپرداخت؛ حداقل نویسنده این سطور در نوشته‌هایش همواره به این موضوع نظر داشته است. مقدمات باید بگویم که برخورد من با مسئله پادشاهی در ایران به هیچوجه شخصی نیست و من با آقای رضا پهلوی هیچ خصومت شخصی ندارم به باور من در یک نگاه گسترده و وسیع به عناصر تشکیل دهنده مخالف جمهوری

اسلامی ایران، پاره‌ای موارد مثل کوشش او برای به دادگاه کشیدن خامنه‌ای تأیید پذیر و پاره‌ای دیگر مثل کمک خواستن و تقاضای همکاری از اسرائیل و آمریکا و یا هر قدرت خارجی دیگر مردود است. اما او را از این جهت مخاطب قرار می‌دهم که رهبری طرفداران پادشاهی در دست دارد و چون رهبری او جنبه انتخابی ندارد و انتصابی بوده و بیشتر به مناسبت رابطه خانوادگی می‌باشد از نظر من این نوع رهبری در ذات خود با حاکمیت ملت مبینت دارد. علاوه بر این، در این سی سال گذشته فعالیت سیاسی آقای رضا پهلوی از تداوم و سرسختی لازم و کافی برخوردار نبوده است که او بتواند اعتبار رهبری عملی قدرت جانشین جمهوری اسلامی ایران را کسب کرده باشد. مع الوصف اگر قرار باشد رژیم سلطنتی در ایران روی کار آید از آنجا که برای سلطنت رقابتی وجود ندارد، همواره این خطر وجود دارد که او بدون کوچک ترین رقابتی، شانس پادشاه شدن را خواهد داشته باشد. نباید فراموش کرد که در اثر روی کار آمدن رژیم پادشاهی یکی از ستون‌های حاکمیت ملت یعنی حق آزادی مردم درانتخاب رهبری از بین خواهد رفت. بی‌تردید عده‌ای هستند که ادعا خواهد کرد که پادشاه در اداره مملکت مشارکت نخواهد کرد و این کار را به دولت و وزیران خود خواهد سپرد. این گونه تحلیل‌های در شرایط اجتماعی امروز و تاریخ ایران به دوردست واقعیت است کسانی که او را به بازگشت رژیم پادشاهی در ایران تشویق و ترغیب می‌کنند بی‌تردید سر دوستی با او ندارند.

فراموش نکنیم که ما در تمامی تاریخ شاهنشاهی ایران فقط یک کورش داشته‌ایم که به درستی از حقوق انسان‌ها سخن می‌گوید و یک کریمخان زند داشتیم که با تدبیری شایان توجه خود را وکیل‌الرعا یا و نه شاه نام نهاد. وانگهی، متأسفانه درهمین تاریخ ایران به ندرت می‌توان پادشاهی را جست که عاقبت به خیر شده باشد... اگر رضا خان سردار سپه به پست رئیس‌الوزرای اکتفا یا اعلان جمهوری می‌کرد، شاید آینده ایران به شکل دیگری رقم می‌خورد و عاقبت کارش و همین‌طور، عاقبت کار محمدرضا شاه پهلوی به آن جا نمی‌رسید که رسید.

متأسفانه در جامعه ما تاکنون نقش سلطنت چنین بوده است و علت آن هم کمبود فرهنگ دموکراسی و آزادی خواهی باید بوده باشد. اگر در تاریخ ایران حاکمیت مبتنی بر سلطنت به رشد دموکراسی و آزادی خواهی کمک نکرده است شاید به این علت باشد که حکومت موروثی در ذات خود تبعیض گرا است و تاروپود فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه

ما طوری رقم خورده است که استبداد طلب است. پس نباید در انتظار معجزه بود، بلکه باید کوشید ابزار و امکاناتی که مشارکت مردم را در تعیین سرنوشت خودشان فراهم می‌کنند افزایش داد که عمده‌ترین آن‌ها آزادی انتخابات با قبول اصل بدیل گرایی است.

ما در اینجا نسبت به دموکرات و آزادی‌خواه بودن آقای رضا پهلوی قضاوت نمی‌کنیم. اما اگر فرض را بر این بگذاریم که او آزادی خواهی و دموکرات باشد، ضوابط و روابط و سازوکارهای قدرت به ویژه سنت پادشاهی در ایران و موقعیت کشور ما در منطقه و در جهان طوری است که او تبدیل به تصمیم گیرنده تنها خواهد شد. پس چاره ای غیر از اطاعت از قدرتهای بزرگ و وابستگی به آن‌ها نخواهد داشت، پس آزادی و استقلال و دموکراسی مرتباً زیر فشار و خطر از بین رفتن قرار خواهند گرفت. تنها چاره نیفتادن در این تله سهمگین وابستگی، بدیل گرایی در رهبری کل جامعه می‌باشد به شکلی که مردم بتوانند با بهره‌گیری از تمامی آزادی‌های لازم برای برگزاری یک انتخابات آزاد و عادلانه وارد عمل شوند و افراد مورد نظر خود را برای مدتی معین و مشخص انتخاب کنند.

اگر قصد آزادیخواهی و کمک به رشد آزادی در ایران و بنا نهادن اصل حق و مسئولیت انسان‌ها در جامعه ایرانی است آیا بهتر نیست آقای رضا پهلوی مسیری را طی نکند که اشتباه بودنش در گذشته ثابت شده است؟ اگر قصد شاهزاده خدمت به ایران و مردم ایران است بایستی بپذیرد که تحول عظیم گذار از شاهنشاهی به جمهوریت یک تحول اجتماعی و سیاسی و فرهنگی برای جامعه ما محسوب می‌شود. تغییر نظام از شاهنشاهی به جمهوری در اثر جانفشانی‌ها و فداکاری‌های مردم و روشنفکران سرزمین ما برای دست یافتن به یک نظامی جمهوری مبتنی بر دموکراسی و آزادی و استقلال بود که متأسفانه به کژراهه رفت و به حاکمیت دین و مذهب مبدل شد. نظامی اسلامی حاکم بر ایران نظامی است که تمامی اصول جمهوریت را زیر پا گذارده رفتار و کردار او دال بر بی‌ارزش بودن نظام جمهوری و بازگشت به سلطنت نمی‌تواند باشد. این امر تنها شامل میهن ما نمی‌باشد بلکه غالب جوامع در این رهگذرهای رشد و تحول هزینه‌های بسیار کلان پرداخته اند میهن ما از این امر مستثنی نیست و شور بختانه شاید میهن ما مجبور بشود برای حفظ این تحول اجتماعی بیش از این‌ها تحمل خسارت و بدبختی بکند.

اگر کمی انصاف داشته باشیم باید بپذیریم که رژیم پادشاهی در ایران از بین رفت است و رژیم جمهوری اسلامی سال‌های آخر عمر خود را می‌گذراند و امروز ما در دوران تحول اجتماعی و فرهنگی سیاسی تازه

ای یعنی در مرحله گذار از حاکمیت مذهب و دین به حاکمیت ملت هستیم تنها همراهی شفاف آقای رضا پهلوی با جمهوریخواهان و دفاع او از جمهوریت می‌تواند یکی از شکاف‌های موجود بین اپوزیسیون را از بین ببرد و به پیروزی مردم ایران کمک کند. این موضع‌گیری اگر انجام شود حسن نیت او را در خدمتگزاری به این تحول اجتماعی نشان خواهد داد و بدون شک بسیار مورد توجه مردم ایران و اپوزیسیون اعم از اپوزیسیون فعال یا اپوزیسیون غیرفعال، در داخل و خارج از کشور قرار خواهد گرفت و او در میان مخالفین رژیم جمهوری اسلامی ارج و منزلتی خواهد یافت که شایسته یک انسان آزاد و معتقد به حقوق بشر و طرفدار جدایی دین و دولت است.

تنها در اثر چنین شرایطی است که آقای رضای پهلوی احتمالاً می‌تواند کمک شایسته‌ای به رشد و تحول جامعه کرده و در امر بدست آوردن آزادی و استقلال و حفظ تمامیت ارضی ایران و احترام به حقوق بشر و رعایت لائیسیت و سکولاریسم و باز گرداندن حقوق مردم ایران به آنان مفید واقع شود. در این صورت هم او زندگی مثمرتری خواهد داشت و هم ملت ایران در راه رشدی شرافتمندانه گام خواهد برداشت و هم جوانان میهن ما از جمله فرزندان آقای رضا پهلوی در اقصی نقاط دنیا پراکنده و در بدر نخواهند شد.

بخشی از جمهوریخواهان ایران اخیراً سندی را تحت عنوان پیمان همبستگی ملی جمهوریخواهان برای استقرار و استمرار آزادی و دموکراسی در ایران انتشار داده اند امضاکنندگان این پیمان کوشش دارند گام‌های مثبتی را در راه همبستگی جمهوریخواهان مستقل ایران بردارند و به امر تشکیل یک آلترناتیو جمهوریخواه مستقل و آزادی‌خواه کمک کنند ما در بخش دوم این‌نوشته کوشش خواهیم کرد در مورد نقش جمهوریخواهان مستقل و آزادی‌خواه در ایجاد دموکراسی و حاکمیت ملت در ایران پیشنهاداتی را به جامعه اپوزیسیون جمهوریخواه سکولار و لائیک و دموکرات ارائه دهیم .

ادامه دارد...

پیمان همبستگی ملی جمهوریخواهان برای استقرار و استمرار آزادی و دموکراسی در ایران

با ارج نهادن به جنبش‌ها و مبارزات آزادیخواهان مردم ایران در صد سال گذشته، ما ایرانیان آزادیخواه و دارای اندیشه‌های گوناگون

که خواهان دگرگونی بنیادین در میهن مان و پایان بخشیدن به رژیم جمهوری اسلامی و هر گونه رژیم استبدادی و دیکتاتوری می باشیم، برای پیشبرد دموکراسی و پشتیبانی از جنبش مردم در راستای دستیابی به این هدف، تلاش و کوشش گسترده و هماهنگ را لازم میدانیم. برای گذر از تنگناها و موانع در راه استقرار دموکراسی در ایران، پایه ها و روشهایی را که محتوی پیمان همبستگی ما هستند، برای نقد و بررسی و گسترش همکاری ها به هممیهنان و جامعه ایرانی به شرح زیر ارائه میدهیم.

اصول پیمان همکاری ما

۱. آزادی

ما برقراری آزادی را هدف مبارزات خود میدانیم. ما همچنین پایبندی خود را به اعلامیه جهانی حقوق بشر و کلیه پیمانهای بین المللی وابسته به آن که در آنها از جمله آزادی عقیده، اندیشه، بیان، قلم و تصویر، آزادی دین و وجدان، آزادیهای مدنی، آزادی احزاب، سندیکاها، کانونها، انجمنها، آزادی تظاهرات و اعتصابات، آزادی پوشش، لغو هرگونه تبعیض جنسی و تأمین برابری حقوق زنان با مردان، عدم مداخله دولت در زندگی خصوصی و شخصی شهروندان. به رسمیت شناختن برابری حقوقی همه شهروندان بدون در نظر گرفتن تفاوت های نژادی، جنسیتی، قومی، زبانی، مذهبی و شیوه های زندگی فردی تصریح شده است، اعلام می نماییم.

۲. استقلال

سرنوشت ایران توسط مردم ایران و نمایندگان منتخب آنان تعیین میشود و کلیه تدابیراتخاذی و سیاستگذاریها بایستی تابع نظر مردم بوده و ناقض حقوق اساسی و حقوق فردی و عمومی ملت نباشند و هیچ دولت یا قدرت خارجی حق دخالت چه مستقیم و چه غیر مستقیم در حاکمیت مردم را ندارد.

۳. دموکراسی

ما خواهان دموکراسی به این معنی که کلیه قوای مملکت ناشی از اراده ملت و اراده ملت بالاترین قدرت در جامعه است که از طریق آرای آزاد مردم اعمال میشود، هستیم. از شرایط اساسی تحقق حاکمیت

ملت تدوین و تصویب یک قانون اساسی دموکراتیک است که در آن حقوق و آزادی های مردم منظور و ضمانتهای اجرایی آن مشخص شده باشد.

۴. برابری در مقابل قانون

همه افراد جدا از جنسیت، قومیت، اصل و نسب، نژاد، زبان، زادگاه و منشاء و عقیده و ایمان، باورهای مذهبی و سیاسی از حقوق برابر برخوردارند و قانون اساسی و سایر قوانین بایستی این عدم تبعیض را رعایت و تضمین نماید.

۵. جمهوریت

ما خواهان اداره کشور تحت نظام جمهوری هستیم. جمهوری به مفهوم رد هرگونه نظام موروثی است که در آن مقامات کشور مسئول و پاسخگو هستند و برای مدت محدود و معین از سوی مردم و یا نمایندگان آنها انتخاب و یا گزیده می شوند.

۶. جدایی نهاد دین و هرگونه ایدئولوژی از دولت (Staat, État, State)

ما خواستار جدایی نهاد دین از دولت به مفهوم انتظام سه قوه مقننه، قضائیه و مجریه میباشیم. هیچ دین و عقیده ای در قانون اساسی رسمیت نمی یابد. هیچ کس به دلیل داشتن و یا نداشتن دین و یا مسلک یا اندیشه ای از امتیازی ویژه برخوردار یا محروم نمیگردد. ما با تاکید بر مخالفت خود با دین دولتی و دولت دینی، مخالفت خود را با هر گونه دین و عقیده ستیزی نیز اعلام میکنیم.

۷. عدالت اجتماعی:

عدالت اجتماعی میزانی برای رشد و ثبات جامعه است. ما پیگیری سیاست هایی را ضروری میدانیم که عدالت اجتماعی به معنی کاهش شکاف بین قطب های فقر و ثروت، برخورداری اقشار هرچه وسیعتر مردم از فرصت ها و امکانات بیشتر شغلی، مسکن، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و رفع تبعیض در همه عرصه ها از جمله، اقتصاد، حقوق، فرهنگ و هنر را که از شرائط تحقق یک دموکراسی پایدار است، در نظر داشته باشد.

۸. ملت ایران شامل گروههای جمعیتی با مذاهب و اقوام و زبانها و گویشها و فرهنگهای مختلفی است که با هم در ایجاد و غنای فرهنگ، تمدن و تاریخ مشترک سهم بوده اند. از اینرو همانطور که دولت

نمی‌تواند نماینده دین و یا عقیده ای خاص باشد، نهادهای دولتی نیز نباید در خدمت قوم و یا فرهنگ خاصی قرار گیرند. احترام به حقوق اقوام مختلف ایرانی، حمایت از تنوع فرهنگی، قومی و زبانی، واگذاری تصمیم‌گیری‌ها به نهادهای انتخابی محلی و استانی و تلاش برای رشد موزون مناطق مختلف کشور و تمرکز زدایی از جمله اهداف ماست و ضروری میدانیم در دموکراسی آینده فراهم آوردن امکانات لازم برای رشد هویت‌های فرهنگی مختلف در برنامه کار مسئولین اجرایی باشد. زبان فارسی زبان رسمی و سراسری کشور است. ما معتقدیم که فراگیری زبان اقوام مختلف ایرانی از مدارس ابتدائی تا مرحله دانشگاه حق ایرانیان است و رعایت آن را ضروری میدانیم.

۹. تمامیت ارضی و سیاست خارجی

ما خود را پایبند به حفظ تمامیت ارضی میهن و سیاست خارجی مستقلی که بر اساس حفظ حقوق ایران، دفاع از صلح، حسن همجواری، رعایت و گسترش روابط مسالمت‌آمیز با سایر کشورها و بویژه کشورهای همسایه و پایبندی به میثاق‌های بین‌المللی باشد، میدانیم. ما خواهان تنش‌زدایی در سیاست خارجی هستیم و استفاده از ابزار نظامی برای حل مسائل سیاسی را مردود میدانیم.

۱۰. ما حفظ محیط زیست که نسل‌های حاضر و آینده باید در آن حیات رو به رشدی را داشته باشند را وظیفه خود دانسته و خود را متعهد به رعایت ضوابط، اصول و استانداردها و الگوهای رفتاری مربوط به حمایت از محیط زیست و عمران طبیعت میدانیم و بر این باوریم که میراث‌های طبیعی ایران را باید از آسیب‌های مختلف محفوظ داشت.

راه و روش سیاسی ما

۱. ما پایبندان به این پیمان نظام جمهوری اسلامی را در کلیت خود رد کرده، برای آن هیچ گونه مشروعیتی قائل نبوده و خواهان نظام جمهوری در ایران هستیم.

۲. ما هرگونه تغییر رژیم را تنها با نیروی ملت ایران و با مراجعه به آراء مردم میسر میدانیم.

۳. پایبندان به این پیمان پرهیز از خشونت، هم در جامعه و هم در رویارویی با کلیت نظام جمهوری اسلامی را لازم دانسته و مبارزه

سیاسی مسالمت آمیز را به عنوان روش مبارزاتی بر می گزینند.

۴. ما پایبندان به این پیمان، خواهان از بین بردن هر گونه آزار و شکنجه انسان هستیم و معتقدیم که در ایران، زندانی سیاسی و عقیدتی نباید وجود داشته باشد و لغو مجازات اعدام را از قوانین کشوری ضروری دانسته و برای تحقق این امور تلاش می کنیم.

۵. ما آگاهی مردم و اتکا به جنبش همگانی و همکاری کوشندگان سیاسی آزادیخواه از نحله های مختلف فکری و گسترش همبستگی ملی را لازمه پایان دادن به نظام جمهوری اسلامی و استقرار نظامی مبتنی بر آرا مردم میدانیم.

۶. افراد در همکاری در چارچوب این پیمان از حقوق مساوی برخوردارند و در کلیه اقدامات اصل مشارکت و تصمیم گیری جمعی را مبنای کار قرار میدهند.

۷. با احترام به کار سیاسی و صنفی در احزاب و تشکلهای که از لوازم ضروری تحقق و پیشرفت دموکراسی هستند، همکاری ما بر اساس این میثاق به صفت فردی صورت میگیرد و همبستگی بر آمده از این میثاق به هیچ گروه، سازمان سیاسی، یا شخصیت خاصی وابسته نیست.

۸. ما پایبندان به این پیمان در جهت رعایت استقلال در نظر و عمل، هرگونه وابستگی سیاسی، مادی و غیرمادی، فردی یا گروهی به دولتها یا قدرتهای خارجی را مردود می دانیم و مخالف هر گونه زمینه سازی برای دخالت قدرتهای خارجی در ایران هستیم. تاکید میکنیم که این امر شامل وابستگی به جمهوری اسلامی و زمینه سازی های رژیم حاکم نیز میباشد.

۹. پایبندان به این پیمان بر این امر تاکید دارند که مفاد یاد شده در بالا جدایی ناپذیر و غیر قابل تفکیک از یکدیگر هستند و عدم رعایت هر یک از این اصول و مفاد مانع همکاری در این جمع است.

۱۰. پایبندی به اصول و مفاد این پیمان به معنای نفی ضرورت نقد و تکمیل آن در ادامه کار نیست.

جلال ایجادی، امین بیات، یونس پارسا بناب، منوچهر تقوی بیات، محمود دلخواسته، سودابه صبوری، علی صدارت، سعید فدوی، فرهنگ قاسمی، پوران کریمی، جهانگیر گلزار، مرتضی عبدالهی، مهران مصطفوی، ژاله وفا

۱۸ اسفند ۱۳۹۰ برابر با هشت مارس ۲۰۱۲

وضعیت زنان کارگر در کارخانه جات نساجی هند

برگردان ناهید جعفرپور

در حدود 10 تا 20 درصد کارگران زن منطقه سومانگالی بین 12 تا 14 ساله می باشند. در واقع در این منطقه پیمان جهانی سازمان کار بشدت خدشه دار می شود. شرایط کاری روی سلامتی کارگران جوان بشدت تاثیر گذاشته و آنها ساعت ها بدون استراحت ایستاده مشغول بکارند.

بیکاری، نابرابری در زندگی و شرایط کاری، تجارت ناعادلانه، عدم سرمایه گذاری در زیر ساختارها بخشی از سیستم نابرابر تولید و تجارت کنونی است که بخصوص زنان مهمترین قربانی اش می باشند. از سال ۱۹۷۰ به این سو در صنایع نساجی ۴۵ درصد محل های کار حذف گردیده است که در نتیجه صدها هزار کارگر (بخصوص زنان) بیکار گشته اند. این در حالی است که عدم سرمایه گذاری در صنایع ساختمانی، صنایع فولاد و کشتی رانی هم باعث بیکار شدن ۱۴۵۰۰۰ نفر گشته است.

هم اکنون بیش از ۱۲۰۰۰۰ زن جوان در صنایع نساجی سومانگالی هند مشغول بکارند. گزارش های سال ۲۰۱۱ تصویری تکان دهنده از زندگی روزمره این کارگران جوان را نشان می دهد: در این گزارش تکان دهنده در باره کار کودکان، اضافه کاری اجباری، خطر برای سلامتی کارگران و سلب آزادی کارگران، ممنوعیت اعتصاب، فحاشی و تجاوز جنسی به کارگران توسط سرپرستان و نگهداران و... صحبت شده است. بدین طریق کارگران زن را مجبور می کنند تا ۱۲ ساعت در روز و ۷۲ ساعت در هفته کار کنند. در هر اطاق خوابگاه ۵ تا ۶ زن جوان بسر می برند. از سه بار غذا در روز یا مدد های اجتماعی و بیمه خبری نیست. در حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد کارگران زن منطقه سومانگالی بین ۱۲ تا ۱۴ ساله می باشند. در واقع در این منطقه پیمان جهانی سازمان کار بشدت خدشه دار می شود. شرایط کاری روی سلامتی کارگران جوان بشدت تاثیر گذاشته و آنها ساعت ها بدون استراحت ایستاده مشغول بکارند. طبق گزارش فوق کارگران جوان زن مرتبا از مشکلات جریان

خون، خستگی، بیخوابی و سر درد و شکم درد رنج می برند. در بسیاری از اوقات آنها مجبورند بدون ماسک (برای محافظت از گردو خاک پنبه که بهنگام کار در فضا پخش می شود) کار کنند. زیرا که بخشا این ماسک ها به اندازه کافی در کارگاه ها وجود ندارند. این مسئله باعث شده است که بسیاری از کارگران جوان از بیماری های ریوی رنج ببرند. برای مثال یکی از زنان جوان کارگر بنام یولها با زمانی که مشغول بکار شد ۱۴ ساله بود و از ۳۵ روپیه مزد روزانه ۱۵ روپیه اش را کارفرما برای غذا و مسکن کم می نمود بطوری که او با مزد ۲۰ روپیه (برابر با ۳۳ سنت) مجبور بکار بود. وی بعد از دوسال و نیم کار هنوز کارخانه را بندرت آنهم به همراهی نگهبان ترک می نمود. خانواده اش را بعد از یکسال کار ملاقات نمود. زمانی که وی بیمار شد و بعد از اینکه بار ها و بار ها بیهوش گشت و دچار کمبود تنفس شد به بیمارستان منتقل شد و در بیمارستان پزشکان در ریه وی توده ای از فضولات پنبه پیدانمودند که می بایست با یک جراحی از بدن این دختر جوان برداشته شود. هزینه بیمارستان ۲۰۰۰۰ روپیه بود (۳۳۰ یورو) که کارفرما علاوه بر وعده های بسیار اما حاضر به پرداختن نشد و این هزینه را پدر و مادر تهی دست این کارگر جوان می بایست پردازند.

بعد از علنی شدن گزارش فوق شرکت های نساجی اعتراض نامه هائی تنظیم نمودند و خواهان این شدند تا گزارش های دیگری تنظیم گردد. از آپریل ۲۰۱۲ گزارش دیگری در حال تنظیم است که هنوز علنی نشده است. اوائل مارس امسال مرکز تحقیقاتی سومو که برای شرکت های چند ملیتی کار می کند گزارش مختصری را از تحقیقات خود منتشر نمود. در این گزارش بهبودی شرایط کار قید شده است. بطور مثال در این گزارش از بهبود دستمزد ها و مجموعه پولی که کارگران بعد از پایان قرار داد سه ساله دریافت می نمایند، نام برده شده است. همچنین طبق این گزارش وضعیت مسکن و تغذیه و آزادی رفت و آمد کارگران بهبود یافته است. اما با این وجود طبق همین گزارش هم مشکلات کارگران به قوت خود باقی مانده است. اینکه دختران جوان عمدتا از فقیر ترین بخش های جامعه انتخاب می شوند. همواره چون گذشته کارفرمایان کارگران زن را مجبور به اضافه کاری می کنند و سوء استفاده جنسی و آزار و اذیت کارگران زن همچنان ادامه دارد. راه رسیدن به یک شرایط عادلانه کار بسیار طولانی است. آنچه که مهم است و در گزارش های کنونی هم به چشم می خورد توجه افکار عمومی بخش های مختلف جامعه هند به این حقایق است و وظیفه اتحادیه های کارگری و سازمان های غیر دولتی زنان پرداختن به این مشکلات و دفاع حقوقی از این

کارگران زن می باشد. از جمله سازمان های غیر دولتی زنان که در بخش نساجی هند مشغول به فعالیت می باشند سازمان غیر دولتی زنان سی وی دپ است.

□

تاریخچه کوتاه از کار سازمان غیر دولتی زنان سی وی دپ در هند

موآنده تشکلی محلی است که از سوی سازمان غیر دولتی زنان سی وی دپ برای دفاع از حقوق زنان کارگر بخش نساجی هند به وجود آمده است. سازمان غیر دولتی سی وی دپ ده ها سال است که برنامه های مختلف برای دفاع از حقوق زنان کارگر سازماندهی می نماید.

۸ سال است که نهاد محلی موآنده تلاش دارد بر روی مشکلات زنان کارگر بخش نساجی متمرکز شود و نیاز ها و زندگی آنان را بعنوان زن که معمولا اکثرا زنان سرپرست خانوار هم می باشند در مرکز توجه همه قرار دهد. برای مثال سازمان محلی موآندا سمینار های بشمارو کارزار های متعدد برای حل مشکلات زنان کارگر ترتیب داده است از جمله کارزار بر علیه آزار و اذیت در محل کار، مهد کودک در محل کار، حداقل دستمزد و....

سازمان موآنده در حال حاضر بسیار گسترش یافته است و بعنوان یک سازمان زنان کارگرتجربه فراوان کسب نموده است. صد ها زن کارگر مستقیم و یا غیر مستقیم هم اکنون به کمک ها و راهنمائی ها و پشتیبانی های حقوقی این سازمان در باره مشکلات خانگی و مشکلات محل کار خود وابسته اند. سازمان موآنده با تیمی قوی از زنان فعال در بخش نساجی تلاش دارد زنان کارگر را در مقابل آسیب های خانگی و آسیب های محیط کار محافظت نماید. این سازمان از سوئی بعنوان اتحادیه زنان کارگر به مشکلات حقوقی زنان رسیدگی می کند و از سوی دیگر بعنوان سازمان زنان از حقوق زنان کارگر مهاجر در مقابل کارفرما دفاع می نماید. تقریبا ۹۰ درصد زنان کارگر نساجی هند در کنار کار طاقت فرسا مسئولیت خانواده و فرزندان را هم بر دوش می کشند.

دلیل موجودیت سازمان زنان موآنده:

سازمان زنان موآنده بعنوان اتحادیه مستقل و قوی وظیفه خود را دفاع و محافظت از حقوق زنان کارگر دانسته و برای بهبودی شرایط کاری آنان حرکت می نماید.

اهداف:

- ۱- زنان را زیر چتر اتحادیه کارگری سازماندهی نماید
 - ۲- خودآگاهی زنان کارگر را نسبت به حقوقشان در محیط کار بالا برد
 - ۳- خودآگاهی زنان را نسبت به حقوق زن بودنشان بالا برد
 - ۴- برای وضعیت دستمزدی زنان مبارزه و حرکت کند
 - ۵- رابطه سازمان غیر دولتی زنان را با نهاد های دولتی مانند اداره کار، نهاد های زنان و کودکان و کمیسیون های قانونی زنان تنظیم و در مقابل آنان مدافع حقوق زنان باشد.
- برنامه و آکسیون ها :
- ۱- برنامه های آموزشی برای کارگران زن: آموزش زنان کارگر نسبت به حقوق کاری، حقوق زنان، آموزش تم های فمینیستی، پیشگیری های پزشکی و مدد های اجتماعی
 - ۲- آموزش ها اتحادیه ای و جنبشی و تشکیل گروه های کاری
 - ۳- تجمعات مثلا برای روز زن و اول ماه مه، کار با افکار عمومی و کار رسانه ای در باره وضعیت زنان کارگر بخش نساجی، آخرین تجمع که برای اول ماه مه امثال برنامه ریزی شده تا کنون ۵۰۰ عضو فعال یافته است.
 - ۴- دادن یک روزنامه هر دو ماه یکبار. این روزنامه توسط فعالین کارگر تنظیم می شود
 - ۵- تشکیل یک مرکز فرهنگی برای کارگران جوان: تاتر و کتاب خوانه و برنامه های فرهنگی دیگر که توسط فعالان کارگری سازماندهی می شود
 - ۶- مشاوره در باره مشکلات خانگی و مشکلات محیط کار
 - ۷- مشاوره حقوقی توسط وکلای سازمان غیر دولتی
- کارزار برای دفاع از حقوق فرزندان خرد سال کارگران
- سازمان زنان موآنده کارزاری برای دفاع از مادران سرپرست خانوار و فرزندانیشان و ایجاد مهد کودک در محیط کار و بهبود نگاهداری از این کودکان در مهد کودک های موجود را سازماندهی نموده است.

کارزار بر علیه خشونت بر علیه زنان کارگر

هوشار کارزاری است که سازمان موآنده سازماندهی نموده است و مفهوم آن هوشیاری و خود آگاهی است. تعداد بسیاری از کارگران زن در این کارزار سهم می باشند. این کارزار بر علیه خشونت در محیط کار حرکت می نماید. کارگران در حواشی کارخانه ها و محل های سکونتشان به اجرای تاتر های متفاوت بر علیه خشونت می پردازند و با بلند گو پیام خود را به کارگران دیگر می رسانند. همچنین برنامه های رادیویی سازماندهی گشته و با خواندن سرود های انقلابی از طریق رادیو و تجمع و اعتراض جمعی اعتراض کارگران زن علنی می گردد. تا کنون از سوی این سازمان سه کارزار موفقیت آمیز برگزار شده است که دلیل اصلی این کارزار ها خودکشی کارگران زن بعزت خشونت ها متفاوت در محیط کار و قتل زنان کارگر در خارج از کارخانه بوده است. بخصوص قتل کارگر جوانی با نام روپا در سال ۲۰۱۰ که بشدت مورد تجاوز جنسی و آزار و اذیت قرار گرفته بود در مرکز توجه این کارزار ها قرار داشت.

منبع: تارنمای grasswüzel revolution